



The Effectiveness of Quranic Interpretations Corresponding to Current Issues with the Use of Map and Model Theory

Farzad Dehghani¹

1. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, University of Hakim Sabzevari, Sabzevar, Iran.

DOI: 10.22034/NRR.2023.58804.1228

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_17294.html

Corresponding Author:

Farzad Dehghani

Email:

f.dehghani@hsu.ac.ir

Received: 2023/07/14

Accepted: 2023/08/10

Available: 2023/09/17

Open Access



Keywords:

Holy Quran, Map Theory, Model Theory, Modernity of Quran.

ABSTRACT

The Holy Quran is the sacred text and the eternal miracle of Islam, which has always been a place of reflection and various interpretations due to its centrality in the life system of Muslims. The text of the Quran, corresponding to the teachings, has caused various interpretations, namely, historical and trans-historical interpretations. Through time and the appearance of new issues, various interpretations of the Qur'an, corresponding to newly appeared issues, have been drawn which results in doubts and numerous explanations. This makes the importance of investigating this issue even more. This study, with the descriptive-analytical method and content analysis appropriate to the discourse and style of the Qur'an, seeks to introduce a model and a map based on the map and model theories. By applying the theories and introducing the model and the map in the interpretation of the Qur'an, it seeks a universal and eternal reinterpretation of its teachings considering the current issues. This study also proves its effectiveness methodically and the findings of the study indicate that the theory of model and map includes all the verses of the Holy Quran and is the reason for the miraculous manifestation of it throughout the times and places corresponding to the discourse components of each era. The verses of the map, due to their correspondence with human nature, and their converging with the commonalities of monotheistic and divine religious and moral schools, can be understood and applied in life forever without any ambiguity. On the other hand, model verses, with the mechanism of inducing time, place, audience, and accurate understanding of the message corresponding to the context of revelation and re-understanding it under the new era, make the pieces of training current and relevant to the new era and are related to current issues. The application of model theory in historical verses methodically in Quranic examples shows its efficiency in similar verses.



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



کارآمدی خوانش‌های قرآنی متناظر با مسائل روزآمد با کاربری نظریه نقشه و مدل

فرزاد دهقانی^۱

۱- استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

DOI: 10.22034/NRR.2023.58804.1228

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_17294.html

چکیده

نویسنده مسئول:

فرزاد دهقانی

ایمیل:

f.dehghani@hsu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم، نظریه نقشه، نظریه مدل، روزآمدی قرآن.

قرآن کریم متن مقدس و معجزه جاودانی دین اسلام است که به سبب محوریت در منظومه زندگی فرد مسلمان، همواره محل تأمل و خوانش‌های متنوع و گوناگون بوده است. متن قرآن متناظر با آموزه‌ها، سبب برداشت‌هایی چون تاریخمندی و فراعصری شده است. اهمیت مسئله زمانی برجسته می‌شود که با گذر زمان و ظهور مسائل جدید و برداشت از متن متناظر با مسائل، سبب ظهور شبهات، تأویل و تبیین‌های گوناگون می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و سطح تحلیل، تحلیل محتوا متناسب با گفتمان و سبک قرآن، به دنبال معرفی مدل و نقشه و کاربری آن در خوانش از متن، برای بازخوانی جهانی و جاودانه بودن آموزه‌ها در پرتو مسائل روزآمد و اثبات کارایی آن به صورت روشمند است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نظریه مدل و نقشه همه آیات قرآن را در خود جای داده و سبب جلوه‌گری اعجازین آن در طول زمان‌ها و مکان‌ها متناظر با مؤلفه‌های گفتمانی هر عصر است. آیات نقشه به سبب متناظر بودن با فطرت انسانی، همگرا با اشتراکات ادیان توحیدی و مکاتب دینی و اخلاقی الهی، الی‌الأبد بدون هیچ ابهامی قابل فهم و کاربری در زندگی است. آیات مدل با مکانیزم الفای زمان، مکان، مخاطب و فهم دقیق پیام متناظر با فضای نزول و بازفهم آن متناسب با عصر جدید، سبب جاری و ساری بودن آموزه در عصر جدید شده و با مسائل روزآمد مرتبط می‌شود. کاربری نظریه مدل در آیات تاریخی به صورت روشمند در نمونه‌های قرآنی نشان از کارآمدی آن در آیات مشابه دارد.

۱- بیان مسأله

یکی از ویژگی‌های دوران حاضر، برجسته شدن هویت تجدد در کنار هویت ملی و مذهبی است. هویت تجدد منجر به بروز چالش‌های فرهنگی و دینی شده است، به طوری که با ورود تجدد، شبهات و چالش‌هایی در حوزه آموزه‌های قرآنی به وجود آمد. برای پاسخ و تبیین چالش‌های فوق، برخی اندیشمندان معاصر به زعم خود سعی در تبیین آموزه و پاسخ به شبهات نوظهور داشتند، ضمن معرفی تاریخمندی برخی آموزه‌ها، از ساحت متن مقدس دفاع می‌کردند. برخی دیگر با معرفی دیدگاه فراعصری ساحت قرآن را فراتر از چالش‌ها و مسلط بر آن می‌دانستند، به همین سبب متناظر با چالش‌ها، خوانش‌های مختلفی از قرآن کریم شکل گرفته است.

بر این اساس خوانش و برداشت از قرآن کریم به عنوان متن محوری دین اسلام یکی از مسائل اساسی و کلیدی در روند تحولات فرهنگی در جهان معاصر اسلام بود. جریان‌های فهم متناسب با چالش‌های روزآمد سبب تدوین تفاسیر اجتماعی در جهان اسلام شد. اصلی‌ترین خوانش هماهنگ با چالش‌های روزآمد، خوانش تاریخمندی از قرآن کریم بود که در پاسخ، خوانش فراعصری مطرح شد. تنقیح مناط و جری و تطبیق دو ابزار در دست فقها و مفسران برای کاربرت برای مسائل جدید است که علی‌رغم کاربردی بودن، دارای محدودیت‌هایی است به طوری که تنقیح مناط محدود به آیات الاحکام و جری و تطبیق بیشتر در آیاتی است که مصداق و شأن نزول مخصوص دارد و سازوکار مشخص و روشمند بر آن تدوین نشده است.

بنابراین پژوهش حاضر با ابزار گردآوری اسنادی-کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی و سطح تحلیل، تحلیل محتوا متناسب با گفت‌وگو و سبک قرآن، به معرفی دو ابزار «نقشه» و «مدل» پرداخته و به دنبال پاسخ به این سؤالات است که مبانی و لوازم نقشه و مدل در قرآن کریم چیست و چگونه بکار بسته می‌شود؟

۱.۱. پیشینه

در مورد پیشینه پژوهش می‌توان به آثاری که تحت عنوان «جری و تطبیق» و «تنقیح مناط» به نگارش درآمده اند، اشاره کرد: برای نمونه؛ «جری و تطبیق، روش‌ها و مبانی آن»، از یزدان‌پناه (۱۳۹۱)، این پژوهش جری و تطبیق را مشمول تأویل‌های عرفانی بیان کرده و مرتبط با جامعیت و جاودانگی قرآن می‌داند.

«تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق» از رضایی اصفهانی (۱۳۸۶ش)، پژوهش مذکور یکی از ابزارهای نشان‌دهنده حیات قرآن را کاربرت جری و تطبیق دانسته و با استفاده از دلایل عقلی و نقلی در پس اثبات این راهکار است.

«تفاوت تنقیح مناط و الغای خصوصیت با قیاس» از فیاضی (۱۳۹۳)، این پژوهش تنقیح مناط و الغای خصوصیت را توسعه در موضوع دانسته و آن را یکی از روش‌های تفسیری متون دینی ذکر می‌کند.

نوشتار حاضر ضمن استفاده از یافته‌های آثار مذکور در مفاهیم نظری، به دنبال معرفی دو ابزار فهم کامل‌تر و جامع‌تر تحت عنوان «نقشه» و «مدل» و ذکر مبانی مرتبط، در نمونه‌های قرآنی بکار بسته می‌شود و متناسب با هر کدام، خوانش از قرآن را برای کاربر در مسائل نوظهور معرفی می‌کند و از این منظر دارای نوآوری است.

۲. خوانش فراعصری و تاریخمندی

در زمینه زبان قرآن و ارتباط آن با آموزه‌ها، دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول که از زمان نزول تا دوران معاصر وجود دارد و متناسب با روح آیات و گفتمان قرآن است، دیدگاه فراعصری بودن زبان قرآن می‌باشد. مؤلفه‌هایی چون جهانی بودن، جاودانگی و جامعیت قرآن کریم محصول دیدگاه فراعصری است. قرآن کریم رسالت خود را برای هدایت عموم انسان‌ها و جهانیان گذاشته است و هیچ فرد مسلمانی در این مورد کمترین ابهامی ندارد. قرآن متضمن ویژگی‌های ذاتی چون هماهنگی با فطرت خدادادی، تناسب با عقل، استعداد و ظرفیت معنایی نامحدود دارای ظرفیت انطباق با زمان‌ها و مکان‌های جدید، جامعیت و هماهنگی با ابعاد مختلف آفرینشی انسان، انعطاف-پذیری و پیش‌بینی متغیرهای مختلف، پیش‌بینی مرجعیت دینی معصومان(ع) و پیش‌بینی مشارکت فعال اندیشه خلاق انسان در مواجهه با متن مقدس است(سعیدی روشن، ۱۳۹۱: ۳۲۰-۳۲۱) و همین مؤلفه‌ها اثبات‌کننده خوانش فراعصری قرآن کریم است. همچنین دلایلی چون حقیقه بودن گزاره‌های قرآنی، اطلاق مقامی در آیات، آیات قرآن، روایات معصومان(ع) اثبات‌کننده فراعصری و جهانی بودن زبان و آموزه‌های قرآن است(نصیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵-۴۸).

دیدگاه دیگری که محصول دوران متأخر است، دیدگاه تاریخمندی زبان و آموزه‌های قرآن است. این نظریه متأثر از مکتب تاریخی‌نگری در غرب با تعبیر «هیستوریسیزم»^۱ بکار می‌رود(سعدی و نیک‌طبع اطاعتی، ۱۳۹۶: ۷۶). از قائلان به تاریخمندی نصر حامد ابوزید(۱۹۴۳-۲۰۱۰م) است. وی معتقد است به حکم ارتباط متون دینی با فرهنگ و زبان در دوره تاریخی مشخص که همان دوره ظهور و شکل‌گیری متون بشری است، به طریق اولی متون تاریخی هم هستند و دلالت آن‌ها از نظام فرهنگی و زبانی خود جدا نیستند، به همین سبب محیط، زبان و فرهنگ آن‌ها، به عنوان منبع اصلی تبیین و تفسیر هستند(ابوزید، ۱۹۹۲: ۲۰۶). در این دیدگاه قرآن در زمان تاریخی نازل شده است و مواجهه‌اش با عالم بیرون، واقعی و مخاطبان خاص جامعه است و در نتیجه دلالت قرآن منحصر به همان زمان نزول و احکام‌اش مخصوص آن زمان است(ابوزید، ۱۳۸۳: ۲۸۰). در نقد دیدگاه ابوزید آثار گوناگونی تدوین شده است(زرنوشه فراهانی و صفره، ۱۳۹۸: ۱-۲۲؛ سعدی و نیک‌طبع اطاعتی، ۱۳۹۶: ۷۳-۸۸).

مبانی تاریخمندی عبارت است از انکار منشأ الهی وحی، توجه به ماهیت انسان، توجه به نحوه شکل‌گیری تاریخی وحی، تأثیر متقابل فرهنگ‌های جامعه متون و خوانش تاریخی انسان از منابع وحی (عرب صالحی، ۱۳۹۵: ۶۶۴-۶۶۱). باید توجه داشت که مبانی تاریخمندی متأثر از اندیشه فلسفه غرب است که حتی در خود غرب هم آن اندیشه‌ها مخدوش بوده و قابل دفاع نیست و آموزه‌های قرآنی نافی این دیدگاه است (عرب صالحی، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۴۶).

۱-۲. تحلیل چرایی خوانش تاریخمندی و فراعصری

بروز انقلاب صنعتی در غرب و پیشرفت صنعت، سبب برجسته شدن هویت صنعت و مدرنیته شد. از آنجایی که محل این انقلاب غرب بوده است، هویت جدیدی که به واسطه رشد صنعت بر زندگی انسان‌ها سایه انداخت، هویت مدرنیته و به تبع محل صدور، هویت غربی می‌نامیدند. تا قبل از این رخداد بزرگ، جوامع اسلامی دارای دو هویت ملی و مذهبی بوده‌اند و به نوعی هویت ملی آنان تحت نفوذ هویت مذهبی بود، دارای سبک زندگی اسلامی بودند و بدون هیچ مسئله، چالش و ابهامی، آموزه‌های دینی را در شؤون مختلف زندگی به کار می‌بستند. با صدور هویت مدرنیته از غرب، هویت جدیدی در کنار هویت ملی و مذهبی برای آنان به عنوان هویت مدرنیته و غربی شکل گرفت. با ظهور هویت مدرنیته چالش‌هایی در تمام شؤون و ابعاد زندگی مسلمانان به وجود آمد و تعارض هویت سه‌گانه سبب ظهور جریان‌های مختلف فهم از قرآن کریم در جوامع اسلامی شد.

گفتنی است لزوم توجه به ویژگی‌های فرهنگی در الگوی اسلامی از مدرنیته، مقوله خوانش از متن را پیچیده‌تر کرده است؛ به میزان پر رنگ شدن هویت مدرنیته و تجدد در جوامع اسلامی، مسائلی از هویت مدرنیته برای هویت مذهبی چالش ایجاد می‌کرد (پاکتچی، ۱۳۹۵: ۱-۲). این امر سبب شد مسائل جدید به وجود آید که در پاسخ به آن‌ها خوانش‌های متفاوتی از قرآن کریم شکل گرفت. از قرن‌های ۷ تا ۱۰ ق مسئله ارتباط جهان اسلام با غرب به وجود می‌آید و این ارتباط سبب ظهور تحولاتی در جهان اسلام می‌شود به طوری که نگرش به مسائل دینی را مورد تغییر و تحول جدی قرار می‌دهد (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۱۴۵-۱۴۶). لزوم فهم و خوانش امروزی از قرآن کریم به سبب ظهور مدرنیته، بیش از پیش احساس می‌شد که یکی از عوامل اصلی این خوانش، رفع نیازهای زندگی مدرن بود (پاکتچی، ۱۳۹۵: ۱۱).

مهم‌ترین تأثیر هویت مدرنیته در جوامع اسلامی ظهور اصلاح‌گرایی با هدف بازاندیشی در آموزه‌های دینی بوده است (پاکتچی، ۱۳۹۵: ۱۲). در نهایت جریان‌های مختلفی با هدف پیوند میان هویت مذهبی با مدرنیته که به دو گونه مدرنیزه کردن هویت مذهبی و حاکمیت هویت مذهبی بر هویت غربی دیده می‌شود (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۲۰۱-۲۲۰). از این میان استفاده از خدمات هویت مدرنیته تحت حاکمیت هویت مذهبی متناظر با قرآن کریم سبب بازسازی سبک زندگی اسلامی می‌شود و تفسیر و تبیین از آموزه‌های قرآنی با هدف همراهی با هویت مدرنیته عمل خطرناکی است که به مرور سبب تهی شدن سبک زندگی از قالب آموزه‌های وحیانی خواهد شد.

۲-۲. تنقیح مناط و جری و تطبیق؛ ابزار فرهنگ اسلامی برای مسائل نوظهور

در فرهنگ اسلامی متأثر از قرآن کریم و روایات معصومان (ع)، پیش‌بینی‌های لازم برای پاسخ به مسائل جدید و روزآمد تحت عنوان تنقیح مناط و جری و تطبیق دیده شده است. تنقیح مناط یکی از ابزارهای بنیادین برای اجتهاد در لسان فقها به کار بسته می‌شود و عبارت است از شناسایی علت اصلی حکم از بیان شارع در آیات قرآن و روایات معصومان (ع) به واسطه حذف اوصافی که در حکم دخالت ندارند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۶۴۴/۲). نکته مهم این است که در تنقیح مناط و الغای خصوصیت، شرط اصلی، تناسب حکم و موضوع بوده و منبع اعتبار و حجیت آن، عرف در نظر گرفته شده است (صدر، ۱۴۰۵: ۹۶/۲). براین اساس الغای خصوصیت و تنقیح مناط روشی برای کارآمدی فقه شیعه جهت پاسخ به مسائل روزآمد با توسعه موضوع است و حجیت آن براساس مبنای اصالة الظهور است (فیاضی، ۱۳۹۳: ۹۷-۱۱۳).

ابزار دیگری که در مسائل روزآمد در حوزه تفسیر و علوم قرآنی به کار بسته می‌شود، «جری و تطبیق» نام دارد. علامه طباطبایی اصطلاح فوق‌اینگونه تعریف می‌کند: «قرآن کریم از حیث انطباق معارف و آیات بر مصداق‌ها و بیان حال مصداق‌ها، دامنه‌ای وسیع دارد و هیچ آیه‌ای در قرآن اختصاص به مورد نزول خود ندارد بلکه با هر موردی که با مورد نزول آن متحد باشد و دارای یکسان باشد، آیه در مورد آن مصداق جریان پیدا می‌کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۷/۳). اندیشمندان علوم اسلام با تأکید و محوریت قرار دادن سبب نزول، شأن نزول، ظاهر و باطن داشتن آیات، قاعده‌ای تأسیس کرده‌اند و با استمداد از این قاعده به برداشت و استنباط از متن می‌پردازند و قاعده فوق با تعبیر «العبره بعموم اللفظ لا بخصوص المورد» است، یعنی اعتبار به وسعت و گستردگی لفظ است نه اختصاصی بودن مورد. براین اساس استنباط‌کننده باید خصوصیات مورد نزول را کنار گذاشته و جنبه‌های غیر اختصاصی لفظ را مد نظر قرار دهد (معرفت، ۱۳۹۱: ۸۸).

مبنای زبان‌شناختی جری و تطبیق با تعبیر تمثیلی بودن معنای اولیه و مبنای متن‌شناختی با تعابیر دارای وجوه بودن و جاودانگی قرآن ذکر می‌شود. بنابراین با عنایت به ذو وجوه بودن قرآن و جاگذاری معنای اولیه به صورت تمثیل و مقوله حیات قرآن و جاودانگی آن، غالب آیات قرآن که دال بر حادثه و مورد خاص است قابل تطبیق بر مصادیق و وقایعی است که تا آخر دنیا متضمن همان روح، بطن و ملاک آیه است (یزدان‌پناه، ۱۳۹۱: ۲۸-۳۰). لازم به ذکر است که در جری و تطبیق مصادیق دارای گونه‌های مختلفی چون؛ مصادیق همگانی، انحصاری، اکمل، کامل، عادی، برجسته، زمانی و همیشگی می‌باشد (حیدی‌فر، ۱۳۹۱: ۸۹). براین اساس مفسران در برداشت از متن برای کاربردی کردن خوانش‌ها و مرتبط کردن با زمان ناچار بودند از این قاعده استفاده کنند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۶۴).

ابزار تنقیح مناط در مورد آیات و روایاتی به کار برده می‌شود که با حوزه تکلیف مکلف مرتبط بوده و متضمن حکم فقهی است و فقها از این ابزار استفاده می‌کنند. جری و تطبیق نیز ابزاری کارآمد برای مفسران و دین‌پژوهان

حوزه علوم قرآنی است. اغلب این قاعده در نسبت با آیاتی به کار برده می‌شود که پیش‌زمینه سبب نزول داشته بوده و در ظاهر، به مخاطبان خاص توجه داشته باشد.

غالب بودن هویت تجدد، ملاک ارزیابی خوانش‌های قرآنی و دینی شده و بخش زیادی از آثار حوزه دینی به بازفهم امروزی خوانش‌های قرآنی متناظر با هویت جدید پرداخته‌اند؛ هویت جدیدی که ریشه‌ای در فرهنگ و حیانی نداشته و صرفاً محصول زندگی مدرن و چالش‌های نوظهور است. از طرفی الغای خصوصیت از مورد نزول و أخذ روح کلی آیات در پرتو جری و تطبیق به صورت اصولی و متضمن قواعد دقیق، روشمند تدوین نشده است؛ بلکه به مهارت و استنباط مفسر و برداشت‌کننده بستگی دارد که این نیز گاهی سبب خوانش متناظر با هویت تجدد شده است.

در این نوشتار نویسنده برآن است با ارائه نظری جدید آیات قرآن را به مثابه «مدل» و «نقشه» معرفی کند تا آسیب موجود یعنی خوانش متناظر با هویت تجدد در فهم آیات به وجود نیاید.

۳. نظریه و مبانی نقشه بودن آیات

نقشه در لغت در معنای یک نقش از چیزی، تصویری از یک خانه، ساختمان که باید از روی آن تصویر بنا شود، می‌باشد (معین، ۱۳۸۱: ۱۹۶۷/۲). طرحی که مهندس یا طراحی از چیزی تهیه و بر صفحه کاغذ رسم کند تا سازندگان و کارگران به دلالت و مطابق آن، شیء مطلوب را بسازند. طرح و تصویری که به مقیاسی بسیار کوچکتر از محله، راه، شهر، کشور، قاره یا کره زمین بر کاغذ رسم کنند تا به دلالت آن موقعیت طبیعی، اقتصادی، سیاسی و دیگر مشخصات آن سرزمین را به دیگران بشناسانند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴ / ۲۲۶۶۹).

مراد از نقشه در نوشتار حاضر آیاتی است که براساس فطرت انسانی نازل شده است و تا قیامت حکم‌شان پابرجا و مورد عمل است و تغییر و تحولات زمانی و مکانی کوچکترین ابهامی در کاربست آن‌ها ایجاد نمی‌کند، به تعبیری همان‌طور که نقشه و جزئیات آن ثابت بوده و قابل تغییر نیست آیات مذکور هم چنین حکمی دارند.

۱-۳. زبان فطرت قرآن کریم؛ جهانی بودن فطرت

یکی از اصلی‌ترین مبنای آیات نقشه، نزول قرآن در زبان فطرت و مشترک است و به همین سبب همه‌فهم و هدایت‌گر برای همه انسان‌ها و ملت‌ها حتی به صورت ترجمه به زبان‌های مختلف است. معارف قرآن کریم در زبان فطرت همگانی و جهانی تجلی یافته است و در این زبان به فرهنگ و شرایط خاص تکیه نشده است. یگانه اشتراک جهان بشری و تمام انسان‌ها، اشتراک در فطرت خدادادی و در نتیجه زبان فطرت است. فطرت سازمان دهنده فرهنگ مشترک و عمومی همه بشریت در همه زمان‌ها و مکان‌های مختلف است و همه انسان‌ها مرتبط با این فرهنگ‌اند. فطرت خدادادی در طول تاریخ مورد کوچکترین هجمه‌ای نشده و نخواهد شد، چون خداوند وعده تغییرناپذیری و پایداری و استقامت آن را داده است (روم/۳۰). مراد از زبان قرآن در این مقوله، مردمی بودن و سخن گفتن با فرهنگ مشترک همه انسان‌هاست، انسان‌ها هر چقدر از نظر زبان و ادبیات متفاوت‌اند و از نظر

فرهنگ سرزمینی دارای تمایز و تفاوت هستند اما در فطرت و فرهنگ اسلامی تغییرناپذیر و پایدار هستند، خداوند با همین فرهنگ مشترک، انسان‌ها را مورد خطاب قرار داده و مخاطب اصلی فطرت است و تعبیر از قرآن به «کتاب مبین» (مائده/۱۵؛ انعام/۵۹؛ یونس/۶۱)، «نور» (مائده/۱۵؛ نساء/۱۷۴) «برهان» (نساء/۱۷۴) متناظر با زبان فطرت است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۳/۱-۳۵).

براین اساس تا زمانی که انسان باشد، فطرت است و تا زمانی که فطرت باشد، قرآن کریم کتاب هدایت و سعادت‌مندی است و به صورت فرازمانی و مکانی، جهت شکوفایی فطرت خدادادی در منظومه زندگی انسان‌ها است.

۳-۲. حقیقه بودن گزاره‌های قرآن

آیات قرآن کریم از نظر گزاره‌ای مرتبط با قضیه حقیقه هستند. بدین تعبیر موضوع قضیه در واقع و نفس‌الامر موجود است بدین صورت که حکم در قضیه، هم افرادی را که بالفعل تحقق دارند و هم افرادی که وجودشان مفروض است، مشمول حکم‌اند. براین اساس هر فردی که وجودش مفروض است حتی اگر اصلاً موجود نباشد در موضوع قضیه وارد می‌شود و مشمول حکم قرار می‌گیرد. برای مثال: هر انسانی شایستگی آموزش پیشرفته را دارد یا هر آبی پاک است. در این مثال‌ها هر فردی که برای موضوع فرض شود خواه بالفعل موجود باشد و خواه معدوم بوده ولی وجودش مفروض باشد، جزو شمول افراد موضوع واقع می‌شود و زمانی که موجود می‌شود حکم در مورد آن صادق است، قضیه مذکور «حقیقه» نامیده می‌شود (مظفر، ۱۳۹۴: ۱۶۲). حکم در «قضیه حقیقه» بدین صورت است که شارع تمامی خصوصیات و قیودی که می‌خواهد حکم را بر آن‌ها معلق کند فرض نموده و حکم را بر آن‌ها معلق می‌کند برای نمونه: زمانی که انسان استطاعت داشته باشد و سالم و فارغ‌البال، حج بر او واجب خواهد بود (صدر، ۱۳۹۵: ۲/۳۰۲).

۳-۳. اطلاق مقامی بودن گزاره‌های قرآن

مبنای دیگر آیات نقشه اطلاق مقامی گزاره‌های قرآن است. مراد از اطلاق مقامی نفی چیزی است که اگر ثابت می‌بود، یک صورت ذهنی مستقل و عنصر دیگر در کلام او می‌بود. به همین سبب برای مثال اگر شارع بگوید: «فاتحه جزئی از نماز است و رکوع و سجود جزئی از آن است» و سکوت کند. در ادامه به واسطه سکوت شارع اگر متدبر قصد داشته باشد به دلیل عدم ذکر سوره، اثبات کند که سوره جزء نماز نیست، چنین موردی را «اطلاق مقامی» می‌نامند و این اطلاق وابسته به این نکته مهم است که متکلم در مقام بیان تمامی اجزای نماز بوده است. بنابراین تا زمانی که این مسئله محرز نشود، بیان نکردن جزئیت سوره از طرف شارع دلالت بر جزء نبودن آن نیست و صرف بیان تعدادی از اجزای نماز برای وصول این مسئله یعنی جزء نبودن سوره کافی نیست، بلکه وصول به آن نیازمند قرینه خاص است که شارع در این مقام یعنی مقام تمامی اجزای نماز بوده است (صدر، ۱۳۹۵: ۲/۱۶۶). قرآن کریم چون کتاب هدایت و سعادت‌مندی است و معارف والای آن جهت معرفت‌بخشی و برانگیختن

انسان‌ها و تعلیم و تربیت است و خداوند در مقام بیان همه موارد و جزئیات برای هدایت انسان‌ها است پس تا قیامت ملاک عمل است.

۳-۴. همسویی آیات با حسن و قبح

مراد از حسن و قبح عقلی بدین شرح است همه عقلای عالم برخی اعمال را حسن و برخی را قبیح می‌دانند و پذیرش این تعبیر، منجز به پذیرش این بیان است که «ادراک العقل للحسن و القبح» (مظفر، ۱۳۹۵: ۶۶/۲). ذکر این نکته ضروری است که تمام احکام عقلیه صادر شده از عقلا دارای ملاک بوده و بیهوده و بدون پشتوانه نیستند که مهمترین ملاک‌ها عبارتند از؛ ادراک کمال و نقص شخصی یا نوعیه، مصلحت و مفسده شخصیه یا نوعیه. احکام شرعی که از متن مقدس قابل برداشت است بدون استثناء و جملگی دارای ملاک هستند، از اوامر و نواهی ارشادی و مولوی همه دایر مدار مصالح و مفساد واقعیه‌ای است که در متعلقات آن‌ها موجود است (مظفر، ۱۳۹۵: ۶۷/۲). یکی از مبانی آیات نقشه ارتباط مضامین آن‌ها با حسن قبح ذاتی و عقلی است. انسان به عنوان موجود مختار اعمال اختیاری که انجام می‌دهد، متصف به عنوانی می‌شود. مانند عنوان تعظیم صدیق، صدق، عدل و ... حال برخی از عناوین برای حکم عقلا به حسن یا قبح چیزی، علت هستند؛ به این معنا که هر کجا این عناوین باشد، عقلا بدون تردید به حسن یا قبح حکم می‌کنند که حسن و قبح ذاتی نام دارد؛ برای مثال در عنوان عدالت و ظلم، عنوان عدل دارای حسن ذاتی است و تا زمانی که عنوان عدالت صادق باشد، غیرممکن است که عمل عدل باشد ولی قبیح باشد (مظفر، ۱۳۹۵: ۴۷/۲). دلیل مستقل عقلی مؤلفه دیگری است که مرتبط با حسن و قبح است. دلیلی که احتیاج به اثبات قضیه‌ای شرعی برای استنباط حکم از آن وجود ندارد، دلیل مستقل عقلی نامیده می‌شود. برای نمونه: هر چه عقل به حسن یا قبح آن حکم کند، شارع به وجوب و حرمت آن حکم می‌کند، بدین سبب که تطبیق برای نمونه استنباط حرمت ظلم، متوقف بر اثبات قضیه شرعی قبلی نیست (صدر، ۱۳۹۵: ۲۹۲/۲-۲۹۳).

۳-۵. خوانش قرآن به مثابه متن در آیات نقشه

براساس مبانی فوق، آموزه‌ها و معارف والای آیات مانند نقشه ثابت و پابرجاست و همین علت هدایتگری جهانی است که در این امر حتی تحدی شده است با این تعبیر که کتابی بیاورید هدایت کننده‌تر از قرآن کریم باشد (قصص/۴۹)، درست به همین سبب در روایات به حیات دائمی قرآن و جاری و ساری بودن آن در زمان اشاره شده است «إِنَّ الْقُرْآنَ حَىٰ لَمْ يَمُتْ وَ إِنَّهُ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ يَجْرِي عَلَىٰ آخِرِنَا كَمَا يَجْرِي عَلَىٰ أَوَّلِنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰۴/۳۵). همچنین اشاره روایات به شادابی و طراوت قرآن کریم مؤید نقشه بودن آیات آن است «كَلَامُ اللَّهِ غَضٌّ جَدِيدٌ طَرِيٌّ» (نوری، ۱۴۰۸: ۲۳۷/۴). بنابراین در مواجهه با آیات نقشه باید قرآن به مثابه متن اتخاذ شود و عیناً آموزه‌های وحیانی آن بکار بسته شود. آیات نقشه به سبب مؤلفه‌هایی چون خرد پذیری و خردپرووری، هماهنگی با فطرت و سرشت مشترک انسان‌ها و واقع‌گرایی و اعتدال (سعیدی روشن، ۱۳۹۱: ۲۷۶-۲۷۷) در مواجهه با مسائل روزآمد راهگشا و کارآمد است.

برای نمونه در سوره جمعه یکی از اهداف بعثت، تعلیم حکمت به مردم ذکر شده است (جمعه / ۲)، علی‌رغم اختلاف نظر مفسران در مفهوم‌یابی و مصداق حکمت، در سوره اسراء یکی دیگر از سوره‌های هم‌خانواده و مسبحات خداوند مصادیقی از حکمت را بیان می‌کند. با این تعبیر که پرستش خالصانه فقط برای خداوند و نیکی به والدین (اسراء/ ۲۳) و نهایت احترام و تواضع برای پدر و مادر (اسراء/ ۲۴)، میانه‌روی در انفاق (اسراء/ ۲۹-۳۰)، عدم قتل فرزندان به خاطر ترس از فقر (اسراء/ ۳۱)، عدم نزدیکی به زنا (اسراء/ ۳۲)، عدم قتل (اسراء/ ۳۳)، عدم نزدیکی به مال یتیم (اسراء/ ۳۴)، مراعات عدالت در کیل و ترازو (اسراء/ ۳۵)، عدم ثبات بر چیزی که علم بر آن نیست (اسراء/ ۳۶)، عدم تکبر در راه رفتن (اسراء/ ۳۸)، سپس ذکر می‌کند تمام این موارد نزد خداوند ناپسند و گناه است (اسراء/ ۳۸) و در نهایت مشخص می‌کند که این موارد از آن چیزهایی است که از حکمت وحی شده است: «ذَلِكِ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ...» (اسراء/ ۳۹). آموزه‌های مذکور مؤید نقشه بودن آیات است و مبانی نقشه به وضوح در آیات مشخص است به همین دلیل حتی در ده فرمان حضرت موسی (ع) و تورات به برخی اشاره شده است. از جمله؛ «تو را خدایانی غیر از من نیست، شرک نوز، پدر و مادرت را مورد احترام قرار بده، قتل نکن، زنا نکن، دزدی نکن، دروغ نگو، چشم طمع به مال و ناموس دیگران نداشته باش» (سفر خروج، باب ۲۰ / ۲-۱۷). حتی در اخلاقیات آیین غیر توحیدی بودیسم این آموزه‌ها دیده می‌شود؛ «مرتکب قتل نشوید، دزدی نکنید، زنا نکنید، دروغ نگوئید، مشروب نخورید، متکبر نباشید، نادان نباشید» (هیوم، ۱۳۷۶: ۱۰۶؛ تیواری، ۱۳۹۳: ۷۳-۸۰). آموزه‌های مذکور بیانگر نقشه بودن آن‌ها و متناسب بودن آن‌ها با زبان مشترک فطرت است.

۴. نظریه مدل بودن آیات

مدل در معنای دلالت‌کننده، راهنمایی‌کننده، الگو، نمونه و سرمشق ذکر شده است. کتاب نقاشی که در مدارس دانش‌آموزان از روی آن طراحی و نقاشی می‌کنند. هر چیز و هر کس اعم از مجسمه، انسان و ... که در برابر هنرمند قرار می‌گیرد تا از روی آن نقاشی کند یا مجسمه بسازد، مدل نام دارد (معین، ۱۳۸۱: ۲ / ۱۶۷۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳ / ۲۰۵۵۰). مفهوم‌شناسی مدل بیانگر سه معنای ماکت‌ها، سرمشق‌ها و آرمان‌ها و معنای هنجاری و آرمانی است (عبدلی مسینان، ۱۳۹۹: ۵۱۹).

مراد از مدل در این نوشتار آیاتی است که خداوند پیام‌های اصیل، هدایتی و انسان‌ساز را در قالب مدلی‌های خاص متناظر با زمان، مکان، مخاطب و بافت فرهنگی و سنت خاص جاگذاری کرده است که می‌تواند همین پیام در فرهنگ‌ها و مؤلفه‌های دیگر حامل معنا شود و ذکر اولیه در قالب اولیه در قرآن نشانگر مدل بودن آن است. در این رویکرد تمام آیاتی که متناظر با فرهنگ خاص، مبارزه با سنت‌های جاهلی و بینش‌های باطل زمان نزول و حتی ذکر داستان انبیاء گذشته (ع) در قالب مدل خودنمایی می‌کند، فرعون مدلی از انسان طغیان‌گر (طه/ ۲۴) و

۴۳) و متکبر (عنکبوت/۳۹) و ظالم (فجر/۱۰) و قارون مدلی از انسان ثروت اندوز و متکبر (قصص/۷۶؛ عنکبوت/۳۹). همچنین حضرت ایوب(ع) مدلی از انسان کامل و صبور در مقابل سختی‌ها و ثبات قدم در زیست معنوی و ایمان(انبیاء/۸۲-۸۳).

باید توجه داشت که «حقیقت» و «حضور» دو تجلی از امر مطلق هستند و در این راستا بنیان‌گذار دین، نماینده امر مطلق که در پوشش «حقیقت» و نماینده او به عنوان «حضور» در بین انسان‌ها است (فرهنگ قهرخی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۰). به همین سبب اسوه و مدل بودن در فرهنگ و حیانی مورد تأکید قرار گرفته است، به طوری که پیامبر(ص) در فرآیند دعوت ابراهیم(ع) به عنوان الگو و مدل مد نظر قرار می‌دهد(ممتحنه/۴؛ آل عمران/۹۵؛ نساء/۱۲۵) و خود به عنوان الگو و سرمشق مسلمانان معرفی می‌شود(احزاب/۲۱). بر این اساس سنت‌گرایان معتقدند حوادث و اتفاقات مهم و مؤثر در زندگی انبیاء(ع) اتفاقی و تصادفی نیست بلکه نمادین و مقدر است تا هر یک جزئی از فضای شبکه‌ای دین را شکل دهد و برای نسل‌های آتی به واسطه راهنما، تبیین و تأویل دارای ابعاد معرفتی باشد(فرهنگ قهرخی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۰).

۴-۱. ضرورت بازسازی بافت تاریخی برای فهم در آیات مدل

مسئله فاصله تاریخی یکی از عوامل تضعیف‌کننده معنا است، هر چقدر فاصله تاریخی با شکل‌گیری متن، نزدیک باشد، برداشت دقیق‌تری از متن امکان‌پذیر است و با فاصله تاریخی میزان خوانش و فهم از متن دچار مشکل می‌شود. توجه به فضای نزول آیات به این دلیل حائز اهمیت است که مجموعه‌ای از شرایط و بافت در یک برهه زمانی وجود دارد که مسائل را برای مخاطبان آن زمان حامل معنا می‌کند در حالی که آن شرایط الان وجود ندارد(پاکتچی، ۱۳۹۰: ۱۷).

مورد دیگری که فهم و برداشت از متن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، فاصله گفتمانی است. باید توجه داشت که مجموعه سخنانی که تولید می‌شوند درون یک ظرف بزرگ قرار دارد که از آن تعبیر به «گفتمان» می‌شود. یک جمله و سخن واحد در دو گفتمان حامل معنای متفاوت خواهد شد و این مورد ارتباطی به فاصله تاریخی ندارد ممکن است در زمان واحد جمله‌ای در دو گفتمان متفاوت حامل دو معنای مختلف باشد(پاکتچی، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۱).

بر این اساس اگر مخاطب در پی فهم مراد متکلم آن هم از کانال متن است باید تمام سازوکارهای معنا ساز در متن را مد نظر قرار دهد و در کنار اصول زبانشناختی، روابط بینامتنی و روابط مربوط به بافت و گفتمان را مورد توجه قرار دهد تا فهم کامل‌تری از متن به دست آورد(پاکتچی، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۴).

نکته مهم دیگر، توجه به عناصر زمان و مکان است، زمان و مکان که مرتبط با موقعیت فیزیکی کاربری است نه تنها باعث ظهور و بروز یک کاربری زبانی است بلکه در فهم و برداشت از آن تأثیر شگرفی دارد، به گونه‌ای که با تغییر بافت پیرامونی، تغییر در معنا و کنش و کارگفت‌های تبعی مشهود است. دو عنصر زمان و مکان باعث

مرتبط شدن رویداد گفتاری با اجزای دیگر پیرامونی کاربری زبان شده و با ایجاد یک پیکره منسجم و مرتبط اصل معناداری و در نهایت بارداری در بعد کارگفتی را دارا شود. موقعیت که شامل زمان و مکان است سبب شده کاربری زبانی از آزمایشگاه زبان به بطن و صحنه جامعه کاربران با ابعاد اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و ... آن برده و حیات می‌بخشد (صانعی‌پور، ۱۳۹۰: ۷۵-۷۶). بازسازی فضای گفتمانی در برداشت متن نکته حائز اهمیت است، فضا منعکس کننده بسیاری از موقعیت‌ها، شرایط، زمان‌ها، مکان‌ها، حالت‌ها، افراد، هنجارها و رفتارها و روابط میان‌شان است (بشیر، ۱۳۹۷: ۱۳۷).

بازشناسی گفتمان تاریخی و فرهنگی این امکان را می‌دهد که مصادیقی از شرایط خاص یک جامعه مورد توجه قرار گیرد، برای نمونه؛ فرهنگ‌هایی هستند که برخی مزه‌ها مثل تلخی و شوری را یکی می‌دانند و بر این اساس سه نوع مزه دارند: شیرین، ترش، تلخ-شور. با توجه به این مصادیق در شرایط خاص شبه‌جزیره عربستان در قرآن «...وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ...» (فرقان/۵۳)، آیه شریفه متناظر با فرهنگ سه مزه‌ای عربستان است (پاکتچی، ۱۳۹۴: ۴۹۸-۴۹۹).

برداشت از متن در سطوح مختلف اتفاق می‌افتد، در نازل‌ترین سطح خواننده به دنبال برداشت از معنای یک جمله است و برداشت از متن در سطوح مذکور ارتباط عمیقی با ساختار پیوستگی و معناشناختی متن دارد. در گام بعدی، خواننده به دنبال جایگاه جمله در گسترش بحث و بیان موضوع دارد و در واقع با این عمل بازشناسی ساختار بیانی متن اتفاق می‌افتد. در سطح عالی، خواننده در پی کسب اطلاعات جدید از متن است و در این مرحله در واقع بازشناسی ساختار معناشناختی متن اتفاق می‌افتد (صانعی‌پور و لطفی، ۱۳۹۵: ۹۰-۹۱). در نهایت با تحلیل زبان به جهان‌بینی اسلام وصول می‌شود و کشف ارتباط زبان با جهان‌بینی می‌تواند ابعاد و زوایای این مسئله را بیشتر روشن می‌سازد (قائم‌نیا، ۱۳۹۳: ۵۷۸).

۴-۲. نمونه اول: سوره مسد

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ. مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ. سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ. وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ. فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ» (مسد/۱-۵).

مکان نزول: این سوره در مکه نازل شده است (قمی، ۱۳۶۳: ۴۴۸/۲؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳/۶۳۲؛ طوسی، بی‌تا: ۴۲۶/۱۰).

زمان نزول: این سوره ششمین سوره‌ای است که در اوایل بعثت بعد از سوره فاتحه و قبل از تکویر نازل شده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/۵۹؛ معرفت، ۱۳۹۱: ۷۸).

مخاطب: در آیه اول، سخن از ابولهب است، نام اصلی‌اش عبدالعزی بن عبدالمطلب عموی پیامبر (ص) است و ابولهب کنیه‌اش است، برخی گفته‌اند به دلیل سرخی گونه‌هایش به این کنیه مسمی شده است (ابن سلیمان، ۱۴۲۳: ۴/۹۱۳؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۱۰/۶۵۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۴/۵۵۷).

فضای نزول: محتوای سوره بیانگر فضای پرتنش صدر اسلام است که بر مسلمانان و پیامبر(ص) سخت گرفته می‌شد و مخالفان از هیچ ضربه‌ای فرو گذار نکرده بودند.

ساختار: این سوره دارای یک ساختار و سیاق است، سخن اول آن از ناکامی ابولهب با همه امکانات و سخن دوم از عذاب او با آتش دارای لهب(مسد/۱-۳) و سخن سوم درباره عذاب همسر کینه‌توز ابولهب است(مسد/۴-۵).
غرض و پیام: نفرین و بیان عذاب و ناکامی ابولهب و همسرش است.

تحلیل چرایی نفرین و بیان عاقبت کار مخاطبان اولیه: پیامبر(ص) در دعوت خویشاوندان با موانع و آزار و اذیت‌های بسیاری مواجه بودند. بعد از دعوت مخفی که حدود ۵۰ نفر به اسلام گرویده بودند، دعوت علنی آغاز شد. یکی از کسانی که به شدت و با تلاش فراوان مانع گسترش اسلام و دعوت توحیدی می‌شد، ابولهب بود، به طوری که به طور مداوم به طایفه خود توصیه می‌کرد، قبل از اینکه دیگران جلوی محمد(ص) را بگیرند، جلوی او را بگیرد. همچنین اولین دعوت علنی که در کنار کوه مروه بود و تمام طوایف قریش به درخواست پیامبر(ص) جمع شده بودند با فضا سازی ابولهب پراکنده شدند(زرگری‌نژاد، ۱۳۹۸، ۲۵۹-۲۶۲). او از کینه‌توزترین دشمنان پیامبر(ص) و اسلام بود، به گونه‌ای که دیگران را به طور مستمر بر دشمنی تحریک می‌کرد و هر جا پیامبر(ص) دعوت مؤثری انجام می‌دادند، با سرعت می‌رسید و با رفتار زشت و زبان تند فضا را ملتهب می‌کرد تا سخنان ایشان به گوش نرسد و در قلبی نفوذ نکند(طالقانی، ۱۳۶۲: ۲۹۴/۴). ابولهب همچنین تحت تأثیر همسر اموی خود ام‌جمیل دختر حرب و خواهر ابوسفیان بود (طالقانی، ۱۳۶۲: ۲۹۴/۴). او پیوسته سخن‌چینی می‌کرد و سر راه پیامبر(ص) خار می‌ریخت (طوسی، بی‌تا: ۴۲۸/۱۰).

خارج کردن از قالب مدل: برای این منظور عناصر مکان، زمان، مخاطب الغا می‌شود و پیام و چرایی پیام متناظر با زمان و مکان و مخاطبان جدید بازخوانی می‌شود. وقتی یک سوره در قرآن کریم است که نفرین و بیان عاقبت کار خانواده‌ای در صدر اسلام است، بالتبع به سبب هشدار و انذار از چنین عاقبتی برای نسل‌های آتی است که به هر نحوی متضمن فلسفه نفرین سوره باشند. به عنوان نمونه اگر فردی در دوران کنونی در فضای مجازی و حقیقی علیه اسلام تبلیغات سوء کند و محافلی که به نوعی مرتبط با تعمیق و گسترش اسلام است مورد نقد، تمسخر و تحقیر قرار دهد عیناً نفرین و عاقبت سوره شامل حالش خواهد شد و اگر عضوی از خانواده او و همسرش با او در این راستا هم‌عقیده و پشتیبان باشد مشمول حکم ام‌جمیل خواهد بود. نکته حائز اهمیت این است فضای نزول در خوانش امروزی نیز مؤثر است با این بیان در دوران خفقانی دشمنان با تمام عده و عده علیه اسلام بودند سدّ دعوت شدن حکمی سنگین خواهد داشت بالتبع در دنیای کنونی که همه‌ها به اسلام و آموزه‌های زیاد است فعالیت تخریبی مشمول حکم سنگین خواهد شد.

برای خارج کردن پیام هدایتی و انسان‌ساز آیات مدل و بازخوانی امروزی متناظر با مسائل روزآمد سه مرحله در طول هم لازم است:

تفسیر تاریخی ← کشف چیستی نزول در تفسیر فرهنگی ← تفسیر جهانی

۳-۴. نمونه دوم: زنده به گور کردن دختران

«وَ إِذَا النُّفُوسُ سُورِجَتْ. وَ إِذَا المَوُودَةُ سُئِلَتْ. بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر / ۷-۹)

مکان نزول: سوره تکویر در مکه نازل شده است (قمی، ۱۳۶۳: ۴۰۷/۲؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۵۵۰/۳؛ طوسی، بی تا: ۲۷۹ / ۱۰).

زمان نزول: سوره تکویر در آغاز بعثت به عنوان هفتمین سوره بعد از سوره مسد و قبل از سوره اعلی نازل شده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۹/۱؛ معرفت، ۱۳۹۱: ۷۸).

مخاطبان اولیه: مسلمانان و کافران مکه بودند که یا از این پیش‌زمینه مطلع بودند و یا مرتکب شده بودند. فضای نزول: حکایت فضای خشن و تاریک مردسالار و ضد زن است به طوری که این فضای وحشتناک به واسطه آیات ۵۸-۵۹ سوره مکی نحل (معرفت، ۱۳۹۱: ۷۹)، شفاف‌تر تصویرسازی شده است.

ساختار: ساختار سوره متشکل از دو سیاق است. محور اول ذیل مراحل فرا رسیدن زمان مشاهده اول (۱-۱۴)، بدین صورت که گام اول در مورد فروپاشی نظام کنونی جهان (۱-۶) و گام دوم درباره برپایی دادگاه عدل الهی و مشاهده اعمال (۷-۱۴). محور دوم درباره اصالت و حقانیت قرآن (۱۵-۲۹) است که سخن اول درباره اثبات وحیانی بودن معارف قرآن (۱۵-۲۶) و سخن دوم درباره هدایت حق‌جویان به واسطه قرآن (۲۷-۲۹). جایگاه آیات زنده به گور کردن دختران در محور موضوعی برپایی دادگاه عدل الهی است و توجه به زنجیره جملات در سیاق، بیانگر عدول از محور موضوعی در آیات مورد بحث است به طوری که با موضوعات قبل و بعد از نظر ظاهری مرتبط نیست ولی از شدت هولناکی و عظمت در ردیف آن‌ها ذکر شده است و سؤال از حقوق ضایع شده دختران است (قرشی، ۱۳۷۵: ۱۰۳/۱۲).

غرض و پیام: حقانیت تعالیم قرآن درباره مشاهده اعمال در روز قیامت و با محوریت آیات مربوطه بازخواست از پدرانی است که حقوق انسانی دختران‌شان را ضایع می‌کردند و از حق حیات محروم می‌کردند.

تحلیل چرایی زنده به گور کردن: یکی از سنت‌های جاهلی عربستان پیش از اسلام زنده به گور کردن دختران بود. گزارش شده وقتی زنی نزدیکی وضع حمل‌اش می‌شد، چاله‌ای می‌کند و بر بالای آن می‌نشست، اگر نوزاد دختر بود او را در چاله می‌گذاشت و روی آن را با خاک می‌پوشاند و اگر پسر بود حفظ می‌کرد، شعری از جاهلیت مؤید این گزارش است: نام آن نوزاد دختر را به هنگام ولادت «تموت» گذاشتم و قبر داماد تو است که او را در برگرفته و خاموش ساخته است؛

سمیتها اذا ولدت تموت * و القبر صهر ضامن ذمیت (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۷۴/۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱:

۱۷۷/۲۶). برای این عمل جاهلی انگیزه‌هایی هم شمرده شده که عبارتند از: خوف از ننگ و عار که در سوره نحل تصویر به شدت سیاهی گزارش می‌شود با این مضمون وقتی به یکی از آنان مزه پدر شدن با فرزند دختر

داده می‌شود از شدت اندوه چهره‌اش سیاه می‌شود و در ادامه به خاطر ننگ و شرم از قبیله‌اش دوری می‌کند و دو انتخاب پیش روی خود می‌بیند: حفظ با ننگ و زنده به گور کردن (نحل/ ۵۸-۵۹) و علت این ننگ هم اسیر شدن به سبب ناتوانی به دست دشمنان گزارش شده است. انگیزه بعدی مالی و اقتصادی (طوسی، بی‌تا: ۲۸۲/۱۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۶۱/۲۰) و ترس از فقر بوده است (انعام/ ۱۵۱)، انگیزه دیگر اعتقادی جهت تقرب به خدایان بوده است (انعام/ ۱۳۷) و در نهایت شوّم دانستن دختران (نصیری و زارعکار، ۱۳۹۶: ۱۹۷-۲۱۱).

خارج کردن از قالب مدل: برای این منظور عناصر مکان، زمان، مخاطب الغا می‌شود و پیام و چرایی پیام متناظر با زمان و مکان و مخاطبان جدید بازخوانی می‌شود و همه انگیزه‌ها متناظر با گفتمان جدید بازفهم می‌شود. یکی از انگیزه‌ها، ننگ دانستن بود بالتبع اگر پدری در دوران کنونی به سبب ننگ دانستن از دختر خود جهت شکوفایی استعدادهای خدادای حمایت نکند و شأن او را در خانواده پایین نگه داشته و به نوعی او را ترور شخصیت کند در قیامت به واسطه دختر خود بازخواست می‌شود که به کدامین گناه شخصیت من را نادیده گرفتی؟

همچنین ذکر این نکته لازم است که با نزول قرآن کریم انقلاب واژگانی اتفاق افتاد و فرهنگ و عرف ویژه‌ای شکل گرفت. به عنوان مثال در جاهلیت مرگ در معنای نداشتن حیات ظاهری جسمانی بود ولی قرآن کریم از کفر و گمراهی تعبیر به مرگ و از ایمان تعبیر به زندگی کرده است (انعام/ ۱۲۲)، کسانی که در راه خداوند شهید می‌شوند در حالی که فاقد حیات جسمانی هستند، زندگان نامیده شده‌اند (بقره/ ۱۵۴) و از نوع جدیدی و کاملی از زندگی به نام «حیات طیبه» خبر داده است که در پرتو ایمان و عمل صالح به دست می‌آید (نحل/ ۹۷). همچنین کسانی که هیچ درکی از حقیقت ندارند با اینکه حیات جسمانی دارند، مرده توصیف شده‌اند (روم/ ۵۲) و محتوای دعوت خداوند و رسول (ص) برای مردم اعطای حیات دانسته است (انفال/ ۲۴). بنابراین در فرهنگ و حیانی کافران مرده ترسیم شده و انذار را فقط برای زندگان در نظر گرفته شده است (یس/ ۷۰). بنابراین متناظر با فرهنگ و حیانی انسان دارای ابعاد مختلف سلامتی اعم از معنوی، روانی، اجتماعی و جسمی است از بین بردن هر بعدی مورد بازخواست شدن در دادگاه عدالت الهی خواهد شد. برای نمونه اگر پدری شرایط خانواده و منزل را به گونه‌ای مهیا کند که ناخواسته دخترش از نظر سلامت معنوی دچار آسیب شود و از حیات ایمانی دور شود در آخرت از پدر سؤال می‌کند که کدامین گناه سلامت معنوی و ایمان من را کشتی؟

۴-۴. خوانش قرآن به مثابه روش در آیات مدل

در مواجهه با آیات مدل باید قرآن به مثابه روش اتخاذ شود. با این تعبیر که روش مواجهه قرآن با محور موضوعی آیات مد نظر، باید از قرآن استخراج شود، بدین صورت در گام اول حول محور موضوع گفتمان پیش از اسلام بازشناسی شود و در گام دوم، تمام آیات مرتبط با موضوع شناسایی شده و متناسب با ترتیب نزول تنظیم گردد. در گام بعدی متناظر با سیاق، بافت و لحن تحلیل شود تا به صورت تنزیلی جهان‌بینی فرهنگ و حیانی ذیل موضوعات کشف شود و تمام این مراحل الگوی از قرآن استخراج می‌کند که از آن الگو به روش قرآن در مواجهه

با موضوعات تعبیر می‌شود. در صورت بروز مسائل روزآمد اتخاذ قرآن به مثابه روش، مسیری قرآن‌بنیان و کارآمد برای پاسخگویی و کاربرست در مسائل جدید است یعنی روش مواجهه قرآن با مسائل، یک اصل بنیادین است که اغلب به صورت خطوط نانوشته بودن، مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

همچنین اتخاذ قرآن به مثابه نقشه در آیات مدل سبب برداشت ناقص و سطحی از آیات می‌شود. برای نمونه توجه مجزا و متن‌گونه به آیات کنیز سبب ابهام در برداشت است اما کاربرست به مثابه روش بیانگر این نکته است که در پیش از اسلام کنیزان شهروند درجه چندم بوده و از همه حقوق انسانی محروم بودند به طوری که در اختیار صاحبان خود به عنوان ابزار بودند و صاحبان حتی برای کسب درآمد آنان را وادار به فحشا می‌کردند که در قرآن اشاره و برحذر داشته است (نور/۳۳). در بافت و گفتمانی که کنیزان نه تنها حق ازدواج و حقوق ابتدایی نداشتند بلکه جزء انسان‌های عادی هم تلقی نمی‌شدند خداوند در گام اول فضای جامعه را برای ازدواج با کنیزان مهیا کرد با این بیان که ازدواج با کنیز با ایمان بهتر از ازدواج با زن آزاد کافر است هر چند زنان آزاد از نظر موقعیت و زیبایی باعث شگفتی شما شود (بقره/۲۲۱). چون عملاً خداوند در فرهنگ آن زمان تابو شکنی می‌کند و در آن گفتمان هر کسی به این ذهنیت نرسیده که می‌توان با کنیز با آن شأن پایین ازدواج کرد و اگر تصمیم بر اینکار گرفت در واقع ایثار کرده و کنیز باید به استقبال او بیاید و هیچ شرط و شروطی نداشته باشد، به همین سبب خداوند در گام بعدی با این بیان که اگر شما از نظر مالی نمی‌توانید با زنان آزاد مؤمن ازدواج کنید می‌توانید با کنیز با ایمان ازدواج کنید در ادامه بر از بین بردن شأن اجتماعی کنیزان در ذهن مردان و عدم ظلم، شروط ازدواج زنان آزاد را بر کنیزان جاری می‌کند با این تعبیر که اولاً اذن ولی کنیزان لازم است و ثانیاً مهریه‌شان را به خودشان تحویل دهید (نساء/۲۵) در نهایت ملاحظه می‌شود فضای عمومی جامعه تلطیف شده و این مقوله برای‌شان قابل هضم شده است به طوری خداوند به‌طور عمومی دستور می‌دهد زنان و مردان بی‌همسر و کنیزان و غلامان صالح را همسر دهید (نور/۳۲) این مرحله نشان‌دهنده هم‌رتبه شدن کنیزان و زنان آزاده در امر ازدواج است.^۱

۵. نتیجه‌گیری

در راستای مسئله اصلی پژوهش یعنی چگونگی کارآمدی خوانش از قرآن کریم متناظر با مسائل روزآمد، نظریه نقشه و مدل به عنوان نظریه راه حل برای این مقوله، معرفی شد. آیات نقشه متضمن مبانی چون زبان جهانی فطرت، قضیه حقیقه بودن آموزه‌ها، اطلاق مقامی بودن گزاره‌ها و حسن و قبح ذاتی و عقلی سبب جهانی و جاودانه بودن معارف قرآنی شده و مثل نقشه تا قیامت ثابت و پابرجاست. راهکار در آیات نقشه باید اتخاذ قرآن به مثابه متن باشد و عیناً مورد عمل و برداشت است. خوانش در نمونه موردی بیانگر کارآمدی نظریه است.

۱. از نظر ترتیب نزول سوره بقره هشتاد و هفتمین سوره و سوره نساء نود و دومین سوره و سوره نور صد و سومین سوره است (معرفت، ۱۳۹۱: ۷۹).

مراد از مدل آیاتی است که خداوند پیام‌های اصیل، هدایتی و انسان‌ساز را در قالب مدل‌های خاص متناظر با زمان، مکان، مخاطب، بافت فرهنگی و سنت خاص جاگذاری کرده است که همین پیام در فرهنگ‌ها و مؤلفه‌های دیگر حامل معنا می‌شود. راهکار مهم و بنیادین در برداشت از آیات مدل، ضرورت بازسازی تاریخی، از بین بردن فاصله تاریخی و شناخت دقیق گفتمان زمان نزول است. نحوه کاربست آیات مدل متناظر با مسائل روزآمد بدین صورت است که باید زمان و مکان نزول، مخاطب، فضای نزول، ساختار آیات، غرض و پیام متناظر با فرهنگ گفتمانی شناسایی شود و در گفتمان زمانه چرایی نزول و پیام تحلیل شود. در گام دوم برای خوانش متناظر با مسائل روزآمد آیات از قالب مدل خارج می‌شود و به این منظور عناصر زمان، مکان، مخاطب الغا شده و پیام و چرایی متناظر با زمان، مکان و فرهنگ و مخاطبان جدید بازخوانی می‌شود و تفسیر سه مرحله‌ای در طول هم یعنی تاریخی، فرهنگی و جهانی در تمام آیات مدل بکار بسته می‌شود. مواجهه با آیات مدل باید قرآن به مثابه روش در نظر گرفته شود یعنی نوع مواجهه قرآن با مسائل و چالش‌های فرهنگ نزول به صورت یک روش برای کاربست در مسائل روزآمد عملیاتی می‌شود. خوانش از آیات مدل در سوره مسد و آیات زنده به گور کردن دختران بیانگر کارآمدی نظریه است.

منابع

قرآن کریم

- ابن سلیمان، مقاتل، ۱۴۲۳ق، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ابوزید، نصر حامد، ۱۳۸۳ش، نقد گفتمان دینی، ترجمه یوسفی اشکوری و محمد جواد کلام، تهران، یادآوران.
- ابوزید، نصر حامد، ۱۹۹۲م، نقد الخطاب دینی، قاهره، سینا للنشر.
- بشیر، حسن، ۱۳۹۷ش، تحلیل گفتمان دینی (مبانی نظری)، قم، نشر لوگوس.
- پاکتچی، احمد، ۱۳۹۴ش، معاشناسی فرهنگی و مطالعات قرآنی (مسئله چند معنایی از منظر الگوی سپهر نشانه‌ای)، چاپ شده در کتاب: معاشناسی و مطالعات قرآنی (مجموعه درس گفتارها)، به کوشش: فروغ پارسا، تهران، انتشارات نگارستان اندیشه، ۱۳۹۶ش.
- پاکتچی، احمد، ۱۳۹۰ش، تاریخ تفسیر قرآن کریم، تنظیم و تحقیق محمد جان پور، تهران، انجمن علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق (ع).
- پاکتچی، احمد، ۱۳۹۵ش، جریان‌های فهم قرآن کریم در ایران معاصر، قم، فلاح.
- تیواری، کدانات، ۱۳۹۳ش، دین‌شناسی تطبیقی، ترجمه مرضیه (لوئیز) شنکایی، تهران، سمت.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ش، تسنیم، به کوشش علی اسلامی، ج ۱، قم، اسراء.
- حیدری‌فر، مجید، ۱۳۹۱ش، مهندسی فهم و تفسیر قرآن (پژوهشی نو در روش‌شناسی تفسیر ترتیبی و موضوعی قرآن کریم)، قم، بوستان کتاب.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، ج ۱۳ و ۱۴، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۸۶ش، «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق»، فصلنامه اندیشی دینی، پیاپی ۲۵، صص ۵۱-۶۶، شیراز، دانشگاه شیراز.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین، ۱۳۹۸ش، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت.
- زرنوشه فراهانی، حسن؛ صفره، حسین، ۱۳۹۸ش، «بررسی و نقد مبانی نصر حامد ابوزید در اثبات تاریخ‌مندی قرآن کریم»، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۱، پیاپی ۲۵، صص ۱-۲۲، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- سعدی، احمد؛ نیک‌طبع اطاعتی، صدیقه، ۱۳۹۶ش، «ارزیابی دیدگاه ابوزید درباره تاریخ‌مندی قرآن با تأکید بر گفتاری بودن وحی»، نشریه نوین دینی، شماره ۵۱، صص ۷۳-۸۸، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- سعیدی روشن، محمد باقر، ۱۳۹۱ش، زبان قرآن و مسائل آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سمرقندی، نصر بن محمد، ۱۴۱۶ق، بحر العلوم، ج ۳، بیروت، دارالفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، ۱۴۲۱ق، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، بیروت، دارالکتب العربی.
- صانعی‌پور، محمد حسن، ۱۳۹۰ش، مبانی کارگفتی در قرآن کریم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- صانعی‌پور، محمد حسن؛ لطفی، سید مهدی، ۱۳۹۵ش، پیوستگی متن قرآن کریم (رویکرد زبان‌شناختی)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- صدر، سید محمد باقر، ۱۴۰۵ق، دروس فی علم‌الأصول، ج ۲، بیروت، دارالمنتظر.
- صدر، سید محمد باقر، ۱۳۹۵ش، دروس فی علم‌الأصول، ترجمه و تبیین آیت‌الله محسن غروی‌ان، ج ۲، قم، دارالفکر.
- طالقانی، محمود، ۱۳۶۲ش، پرتوی از قرآن، ج ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، قم، دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۲۲ق، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، بیروت، دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

عبدلی مسینان، مرضیه، ۱۳۹۹ش، «ماهیت مدل و مؤلفه‌های مدل شناختی در تولید علوم انسانی اسلامی»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۳، صص ۵۱۷-۵۴۲، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

عرب صالحی، محمد، ۱۳۹۲ش، «ابوزید و تاریخی‌نگری»، قیسات، دوره ۱۸، شماره ۶۷، صص ۱۱۷-۱۴۶، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

عرب صالحی، محمد، ۱۳۹۵ش، «مبانی تاریخمندی قرآن و تحلیل و نقد مبانی وحی‌شناختی آن»، فلسفه دین، شماره ۴، صص ۶۵۹-۶۷۹، تهران، دانشگاه تهران

فرهنگ قهرخی، علی‌رضا و همکاران، ۱۳۹۴ش، «ساحت و حیاتی دین از منظر سنت‌گرایان و نواندیشان دینی معاصر ایران»، فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۲، پیاپی ۵۵، صص ۷۵-۹۲، شیراز، دانشگاه شیراز.

فیاضی، مسعود، ۱۳۹۳ش، «تفاوت تنقیح مناط و الغای خصوصیت با قیاس»، حقوق اسلامی، شماره ۴۲، صص ۹۷-۱۱۳، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قائم‌نیا، علیرضا، ۱۳۹۳ش، بیولوژی نص (نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۵ش، تفسیر أحسن‌الحديث، ج ۱۲، تهران، بنیاد بعثت.

قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، تفسیر قمی، ج ۲، قم، دارالکتاب.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، ج ۳۵، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

مظفر، محمد رضا، ۱۳۹۴ش، منطق، ترجمه مجید حمید زاده و انشاء الله رحمتی، تهران، حکمت.

مظفر، محمد رضا، ۱۳۹۵ش، اصول فقه، شرح علی محمدی، ج ۲، قم، دارالفکر.

معرفت، محمد هادی، ۱۳۹۱ش، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید.

معین، دکتر محمد، ۱۳۸۱ش، فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران، آدنا؛ کتاب راه نو.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، ج ۲۶، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ش، کشف الأسرار و عده الابرار، ج ۱۰، تهران، امیر کبیر.

نصیری، علی و همکاران، ۱۳۹۴ش، «بازخوانی نسبت بین جهانی و جاودانه بودن قرآن با جامعیت آن از منظر علامه طباطبایی»، نشریه اندیشه نوین دینی، سال ۱۱، ش ۴۲، صص ۳۵-۴۸، قم، دانشگاه معارف اسلامی.

نصیری، محمد؛ زارعکار، حسین، ۱۳۹۶ش، «تحلیل جامعه‌شناختی مسئله زنده به گور کردن دختران در جزیره‌العرب»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۰، صص ۱۹۷-۲۱۱، سیستان و بلوچستان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۴۲۶ق، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۲، قم، مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع). هیوم، رابرت ا.، ۱۳۷۶ش، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر اسلامی.

یزدان‌پناه، سید یدالله، ۱۳۹۱ش، «جری و تطبیق، روش‌ها و مبانی آن»، تنظیم: محمود جوادی والا، حکمت عرفانی، شماره ۴، صص ۷-۳۲، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).